

گزارشی از نمایشگاه عکس تشییع رهبر شهید باعنوان «روایت وداع»

وداعی که در قاب ماندگار شد



طین همتی

هر گوشه‌ای از شهرهای تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد، روایتی از مراسم وداع و تشییع رهبر شهید ایران را در خود ثبت کرده است؛ روایت‌هایی که در قاب دوربین عکاسان، از میان انبوه جمعیت و لحظه‌های سوگ و وداع، به تصویر کشیده شده‌اند. به مناسبت چهلمین روز از تشییع ایشان، نمایشگاه عکس «روایت وداع» با ارائه ۴۲ قطعه عکس از این مراسم در شهرهای یادشده، در نگارخانه فردوسی فرهنگ سرای جهاد مشهد برپا شده است. این نمایشگاه تلاش دارد بخشی از حال و هوای آن روزها و حضور مردم در آیین‌های وداع و تشییع را از نگاه عکاسان مشهدی بازتاب دهد. در همین باره، با سه تن از عکاسان مشهدی حاضر در این روایت که آثارشان در نمایشگاه «روایت وداع» به نمایش درآمده است، درباره تجربه عکاسی از این مراسم، لحظه‌های ماندگار و نگاه آنان به ثبت تصویری این رویداد گفت‌وگو کرده‌ایم.

- نمایش ۴۲ عکس از مراسم تشییع رهبر شهید وحید بیات، نمایشگاه‌گردان «روایت وداع»، درباره این رویداد می‌گوید: هم‌اکنون نمایشگاه عکس «روایت وداع» با نمایش ۴۲ قطعه عکس از مراسم وداع و تشییع رهبر شهید ایران در شهرهای تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد، در حال میزبانی از مخاطبان است. وی با اشاره به محتوای این نمایشگاه می‌افزاید: این نمایشگاه تلاشی مستمر است برای ثبت و روایت تصویری لحظاتی که مردم در شهرهای مختلف ایران و عراق در مراسم وداع و تشییع حضور داشتند، به‌طوری‌که هر یک از این تصاویر، بخشی از فضای حاکم بر این مراسم را روایت می‌کند. این هنرمند درباره رویکرد انتخاب آثار تأکید می‌کند؛ ما مادر انتخاب آثار تلاش کردیم تنها به ثبت یک رویداد اکتفا نکنیم، بلکه بخشی از احساس، حضور مردم و فضای متفاوت مراسم در شهرهای مختلف را در قاب تصویر به نمایش بگذاریم و مجموعه حاضر که در قاب‌های

صلواتی درباره گستره تصاویر خود توضیح می‌دهد: مجموعه من تلاش می‌کند یک سفر روایی باشد. از لحظات حزن‌آلود مصلا‌ی تهران تا فضای ملتهب و پراز تراکم خیابان‌های مشهد. برای من، این سفر فقط جابه‌جایی فیزیکی نبود، بلکه تلاشی برای ثبت یک سیر تحول عاطفی در مردم بود.

اواز دشواری‌های حرفه‌ای حوزه عکس می‌گوید: عکاسی خبری در آن مقیاس، یک مارا تن واقعی است. شما باید هم زمان بر تنظیمات فنی دوربین، کادر بندی در ازدام و امنیت خودتان تمرکز کنید. من اگرچه به دلیل محدودیت‌های زمانی موفق به حضور در نجف و کربلا نشدم، اما معتقدم آن بخش از مراسم ظرفیت روایی فوق‌العاده‌ای داشت که ای کاش در قاب‌های بیشتری ثبت می‌شد. صلواتی درباره اهمیت فضای عراق می‌گوید: حضور میلیونی مردم در کشوری که روزگاری منبع تجاوز به ایران بود و حالا میزبان پیکر یک رئیس‌جمهور ایرانی است، قصه بسیار جذابی برای ثبت تصویری داشت؛ تضادی که در تاریخ معاصر بی‌نظیر است. او ترجیح داد برای پوشش دقیق‌تر مشهد که شهر خودش محسوب می‌شود، از حضور در مسیر عراق صرف‌نظر کند تا بتواند ابعاد حضور مردم در مشهد را عمیق‌تر پوشش دهد. این عکاس درباره دشواری‌های برنامه ریزی می‌افزاید: در ابتداتردید داشتم به تهران بروم، زیرا تگران بودم به مراسم مشهد نرسم. اگر تمهیداتی مانند پرواز اختصاصی برای عکاسان در نظر گرفته می‌شد، امکان روایت یکپارچه‌تر و به‌تری برای همه عکاسان فراهم می‌گشت. در نهایت با تهیه بلیت قطار در آخرین لحظه به تهران رفتم.

- گاهی پنجره فرصت تنها چند ثانیه باز می‌شود او درباره یک خاطره خاص از عکاسی می‌گوید: رسیدن به محدوده میدان آزادی تهران و ثبت آن قاب‌های خاص، داستان فصلی دارد. مسیر تشییع مدام تغییر می‌کرد. حوالی میدان آزادی، یک ماشین صوتی قرار داشت که دره‌ایش بسته بود. با هزار خواهش والتماس به‌راننده گفتم اجازه بدهد بالا بروم. بالاخره موفق شدم روی سقف ماشین صوتی بروم و چند فریم عکس بگیرم، هرچند بعد از آن سریع پایین انداخته شدم؛ اما همین تلاش‌ها باعث شد آن تصاویر خاص، از جمله قاب‌هایی با پس‌زمینه پرچم‌های قرمز ثبت‌شودویکی از همان عکس‌ها راهی نمایشگاه شود. در عکاسی خبری، گاهی پنجره فرصت تنها چند ثانیه باز می‌شود و اگر آن را شکار نکنی، برای همیشه از دست می‌رود.

صلواتی درباره یکی از آثار شاخص خود می‌گوید: عکسی که برج میدان آزادی را در پس‌زمینه دارد و حرکت خودروی حامل پیکر را نشان می‌دهد، برای من نمادین است. برج آزادی به عنوان نماد پایتخت و پیکر رهبر شهید، در آن لحظه پیوندی با هم داشتند که سعی کردم در قابم منعکس کنم؛ عکسی که در دیگر مجموعه‌های رسانه‌ای کمتر به چشم خورده است.

کمرت موردتوجه دوربین‌ها قرار گرفته است.

آدرس‌های غلط آقای پرمشغله درباره سربال «کلاغ» که نه تاریخی بود و نه سیاسی



و حتی مضحک، جسد او را در ساختمان محل سکونت خودش پیدا کرد؛ آن‌هم در شرایطی که معلوم نبود این یخچال اصلاً آنجا چه می‌کند، چرا پلیس متوجهش نشده و اصلاً چرا دوشاخه آن به پریز متصل است؟

● پرکاری و بی‌دقت مسئله «کلاغ» را نباید صرفاً به عنوان یک شکست دراماتیک ساده تحلیل کرد. این سربال درامتداد مسیری قرار دارد که محمدحسین مهدویان، یکی از پرامیدترین استعداد های دهه ۹۰ سینمای ایران، طی سال‌های اخیر پیموده است. او در کمتر از یک سال گذشته و در شرایطی که به واسطه جنگ و ناآرامی‌های اجتماعی بسیاری از کارگردان‌ها امکان کار کردن نداشتند، یک فیلم سینمایی به نام «نیم شب» و همین سربال‌بازده قسمتی را شخصاً کارگردانی کرده، در یک مجموعه نمایشی بیست و دو اپیزودی «محکوم» به عنوان طراح پروژه و مشاور کارگردان به نقش آفرینی پرداخته و طراح و خالق مجموعه چهارده‌قسمتی «اهل ایران» هم‌بوده است. این کارنامه شلوغ، حاکی از اثرگذاری جدی مهدویان در یک فیلم و بیش از چهل ساعت محتوای نمایشی پلتفرمی، طی یک بازه زمانی حدود ده ماهه، است که او را به عنوان یکی از پرجاثرترین سینماگران تاریخ به مخاطب معرفی می‌کند.

- عکاسی در میان امواج خروشان جمعیت محمد آل رسول، دیگر عکاس خبری مشهدی که آثارش در این نمایشگاه در معرض دید قرار گرفته، درباره رویکردش می‌گوید: تلاش من انتخاب عکس‌هایی بود که بتواند آن شور، حرارت و انبوه جمعیت را به مخاطب منتقل کند. عکاسی از جمعیت در این ابعاد، با چالش‌های فیزیکی همراه است. شما در میان امواج انسانی هستید، جایی که کوچک‌ترین لرزش یا فشار جمعیت می‌تواند تمرکز عکاس را بر هم بزند.

او درباره به تغییر مسیر ناگهانی خودروی حامل پیکر می‌افزاید: تغییر مسیر، عملاً فرصت ثبت تصاویر مستقیم از پیکر را گرفت، بنابراین تمرکز لنزهای ما بیشتر بر روایت حضور مردم و واکنش‌های آنان معطوف شد. این در واقع همان چیزی است که به عکس، ارزش سند اجتماعی می‌بخشد.

- رقابتی با زمان و خستگی آل رسول درباره تفاوت این مراسم با رویداد های مشابه قبلی (مانند تشییع سردار سلیمانی) توضیح می‌دهد: اگرچه تجربیات گذشته در انتخاب لوکیشن و مدیریت صحنه به ما کمک کرد، اما این برنامه از نظر مقیاس و سختی کار، با هیچ یک از برنامه‌های قبلی قابل مقایسه نبود. فشردگی برنامه ریزی‌ها و تغییر زمان بندی‌ها، شرایط را به شدت طاقت‌فرساکرده بود؛ به‌طوری‌که عکاسان از ساعت ۸ صبح تا ۱۱ شب، یعنی حدود ۱۴ ساعت بی‌وقفه در تکاپوی یافتن سوزه و ثبت لحظات در خیابان امام رضا^(ع) بودند. آل رسول که در آثارش بر حواشی مراسم تأکید دارد، می‌گوید: در گزارش‌های تصویری، حواشی و شخصیت آدم‌ها که از خود متن ماجرا جذاب‌تر هستند، نگاه عکاس باید جست‌وجوگرا باشد؛ باید بتواند در میان آن شلوغی، یک چهره، یک اشک، یک دست افراشته را شکار کند که روایتگر کل ماجراست. اما در این تشییع، فشار جمعیت به اندازه‌ای بود که حتی طی کردن یک مسیر ۵ دقیقه‌ای تا حرم، نزدیک به یک ساعت و نیم زمان می‌برد. در چنین فضایی، حفظ تمرکز برای بستن کادرهای مناسب و شکار لحظه‌ها در میان آن حجم از فشار، کار را برای عکاس به یک مارا تن استقامتی تبدیل کرده بود.

آثار محمد آل رسول و دیگر هنرمندان عکاس مشهدی در نمایشگاه «روایت وداع»، نه فقط تصویری از یک مراسم رسمی، بلکه سندی از تلاش عکاسانی است که در دشوارترین شرایط محیطی، کوشیدند تا بخشی از تاریخ حماسی شهر مشهد را از دریچه دوربین خود برای آیندگان ثبت کنند. این عکس‌ها، فارغ از سوزه‌هایشان، بازتاب دهنده توانمندی عکاسان مشهدی در مستندسازی وقایع بزرگ ملی هستند و به همین دلیل، برگزاین چنین نمایشگاه‌هایی برای حفظ این میراث دیداری، امری ضروری است. این قاب‌ها، تاریخ آینده خواهند بود.

همین قسمت‌های آخر، مشتاق بودند که بدانند اصلاً چرا این شخصیت‌ها ساواکی هستند و سایه چه نسبتی با حزب توده و فعالیت‌های سیاسی آن دوره دارد. مهدویان و همکارانش اما، بالاخره هفته‌گذشته آب پاکی را روی دست مخاطبان خود ریختند و ثابت کردند که ترجیح می‌دهند با همان دوربینی که مردم خاطره خوشی از آن دارند، ماجرای دل‌سپردی یک مردزن و بچه‌دار به یک دختر جوان را بازسازی کنند و از خلال بندبازی روی این الگوهای مندرس عامه‌پسند، به کسب درآمد بپردازند.

- با تقدیر از محسن قصابیان با این همه، «کلاغ» در مؤلفه‌های فنی اوضاع خوبی داشت و از منظر بصری ابرومند محسوب می‌شد. فیلم برداری تروتیمیز هادی بهروز، موسیقی هماهنگ حبیب‌خرایی فروجلوه‌های بصری امین پهلوان راده از جمله نقاط قوت قابل اعتنای این مجموعه بودند؛ عناصری که نشان دادند سازندگان این اثر توانایی‌های ویژه‌ای دارند و استانداردهای سینما و شبکه خانگی را به خوبی می‌شناسند. در میان بازیگران این مجموعه، محسن قصابیان یکی از موارد استثنایی بود. او در نقش بهروز، برای رنگ آمیزی جسورانه شخصیتی که از سن واقعی خودش حداقل بیست سال مسن‌تر است، دست به طراحی متفاوتی زد و در جزئیات رفتاری در ادای جملات و دقت در جزئیات رفتاری یک شخصیت منحصربه‌فرد، این شخصیت را از سطح تیپ فراتر برد. از سوی دیگر، بازیگران مکمل و فرعی این سربال اغلب به چشم یک انجام وظیفه کارآمدی جلوی دوربین رفتند و به ندرت لحظه‌ای چشمگیر در بازی‌های ایشان دیده شد. در رأس این تیم بازیگری بی‌رق، هادی حجازی‌فر قرار داشت؛ هنرپیشه توانمند و طرازاول سال‌های اخیر سینما و شبکه خانگی ایران که یکی از بدترین نقش آفرینی‌های عمر هنری خود را به ثبت رساند. او نه در بازنمایی پیچیدگی‌های شخصیت جلال موفق ظاهر شد و نه توانست قدری سمپاتیک باشد؛ به نحوی که حتی در به اجرا گذاشتن یک گریه ساده و باورپذیر نیز ناتوان به نظر می‌رسید.

تماشاخانه

«شنل قرمزی» روی صحنه تماشاخانه داود کیانیان



نمایش موزیکال «شنل قرمزی» ویژه کودکان و نوجوان از جمعه ۶ شهریور ساعت ۱۸ در تماشاخانه داود کیانیان روی صحنه می‌رود. نمایش «شنل قرمزی» داستان دختر کوچولوی مهربان و کنجکاوی است که برای دیدن مادر بزرگش راهی جنگل می‌شود. او در مسیر با

اتفاقات بامزه و هیجان‌انگیزی روبه‌رو می‌شود و با شخصیت‌های مختلفی آشنا می‌شود. در این نمایش به نویسندگی و کارگردانی مریم عباسی، بازیگرانی چون ته‌مینة پهلول، آتنا لشگری، الهام لشگری، آوا سادات سیدیان، سید شروین سیدیان، حانیه الهی، سمانه عبدی، محنا جلی، فهیمه یحیی‌زاده و مریم عباسی به ایفای نقش می‌پردازند.

آغاز اجراهای «جنگل پر ماجرا» در مشهد



اجراهای نمایش کودک و نوجوان «جنگل پر ماجرا» به نویسندگی و کارگردانی مهدی مؤذنی از سه‌شنبه ۲۷ مرداد ساعت ۱۹ در مجموعه تصاویر ماندگار آغاز شده است. در این نمایش موزیکال ۶۰ دقیقه‌ای مـهـدـی مؤذـنی، یاسمن حیدری، مرتضی خدیوی‌زند، ابوالفضل اعرابی‌پور، سجاد بیگلری، حمیدرضا صدیقی، سام شفیعی و مهدیه اسماعیل‌پور بازی می‌کنند.

سالن استاد صابری میزبان نمایش «بچه‌های کوه‌های آلپ»



نمایش موزیکال «بچه‌های کوه‌های آلپ» به نویسندگی و کارگردانی سمیرا صالح‌زاده این‌شب شب ساعت ۲۱ در سالن استاد رضا صابری روی صحنه می‌رود. این نمایش که برداشتی آزاد از نمایش هتل یارادیزو است، داستان زندگی صاحبان هتل، کارکنان و مسافرائی را روایت می‌کند که در روند اتفاقات انتخابات‌شان شادمانی، دوام آوردن و پایداری است. در این نمایش، خلیل قاسمی، داوود نوغانی، زهرا چاهی، شیماسکافی، طیبیه صداقت، طاهره زرین‌لعل، فائزه نجف‌زاده، مریم سلیمان‌خواه، مریم شمس، نجمه نوری‌نیا، یسنا رضایی‌پناه هنرنمایی می‌کنند.

چارسوق هنر

«رود سوخته» محسن چاوشی منتشر شد



محسن چاوشی قطعه جدیدی را برای فصل دوم «بامداد خمار» خوانده‌است که «رود سوخته» نام دارد. تک‌آهنگ «رود سوخته» چندمین اثری است که چاوشی برای سربال «بامداد خمار» خوانده‌است. شعر این اثر را امید روزبه سروده و آهنگ سازی و خوانندگی آن هر دو بر عهده محسن چاوشی بوده است. سربال «بامداد خمار» به کارگردانی ترگس آبیار این روزها در شبکه نمایش خانگی عرضه می‌شود و اقتباسی از رمان پرفروش «بامداد خمار» است.

مجید مجیدی با «غذای نیمروز» به سینماها می‌آید



فیلم سینمایی «غذای نیمروز» به کارگردانی مجید مجیدی پروانه نمایش گرفت و قرار است به زودی روی پرده سینماها برود. فیلم برداری این اثر در چابهار انجام شده است.

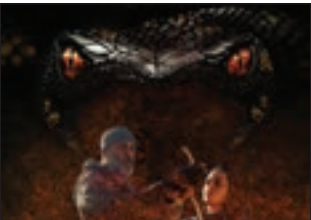
«غذای نیمروز» از بازیگران شناخته‌شده استفاده نشده است. جزئیات بیشتر درباره زمان دقیق اکران این فیلم به زودی اعلام می‌شود.

از ۲۸ مرداد تا عراق؛ روایت یک نفوذ



مجموعه مستند «دروازه‌های باز» در هفت قسمت، پرونده نفوذ آمریکا در کشورهای مختلف را از ایران تا عراق بررسی می‌کند. به گزارش مرکز رسانه امید، در این مجموعه، پرونده‌هایی همچون کودتای ۲۸ مرداد در ایران، نفوذ آمریکا در فیلیپین و شیلی و همچنین تجربه این کشور در لیبی و عراق بررسی می‌شود. «دروازه‌های باز» تلاش می‌کند با مرور این تجربه‌های تاریخی، به این پرسش بپردازد که آمریکا چگونه در هر یک از این کشورها و با شیوه‌ای متفاوت، توانسته بر روند تحولات سیاسی و حاکمیتی اثر بگذارد. این مجموعه هر شب ساعت ۲۱:۳۰ از شبکه امید روی آنتن می‌رود.

اکران فیلم سینمایی «سگمار» در گروه سینمایی هنر و تجربه



اکران فیلم سینمایی «سگمار» به کارگردانی جواد مردآبادی از چهارشنبه ۲۸ مرداد در سینماهای منتخب گروه هنرو تجربه آغاز می‌شود. در این فیلم بازیگرانی همچون پیام احمدی‌نیا، شیرین اسماعیلی، سیروس سپهری ایفای نقش کرده‌اند. فیلم «سگمار» داستان دو مارگیر را روایت می‌کند که به درخواست اهالی یک روستا مأمور می‌شوند موجودی مرموز و ناشناخته به نام «سگمار» را شکار کنند. کارگردان درباره فیلمش گفت: ما در این فیلم سعی کردیم یک کار متفاوت بسازیم؛ یعنی یک قصه که تا حدودی متفاوت از جریان عادی سینمای ایران باشد. در یک لوکیشن خاص، با یک کانستیت خاص و در نهایت یک کار متفاوت خوشبختانه پخش جهانی این فیلم هم شروع شده و در سراسر دنیا به جشنواره‌های مختلف ارسال شده است. حتی این فیلم اکنون به بخش مسابقه جشنواره روبروس نیجریه راه پیدا کرده است و چند روز دیگر رقابت جهانی آن با فیلم‌های رقیبش آغاز می‌شود و اتفاقاً از عوامل نیز دعوت کرده‌اند که در آنجا حضور پیدا کنیم.